

مطالعه سیر تحول کاسه‌های شیشه‌ای ایران از قرون ۴ ق.م. تا ۷ هـ.ق. از منظر ریخت‌شناسی

مقاله پژوهشی (صفحه ۲۲۶-۲۰۷)

معصومه زمانی سعدآبادی^۱، سمیه اسدی^۲، فرنوش شمیلی^۳

۱- فارغ التحصیل، کارشناسی ارشد، پژوهش هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- فارغ التحصیل، کارشناسی هنر اسلامی گرایش شیشه، دانشکده هنرهای صناعی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

۳- استادیار، دانشکده هنرهای تجسمی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

DOI: 10.22077/NIA.2021.3996.1405

چکیده

در پس چند هزاره تاریخ هنر ایران، آثار شیشه‌ای ارزنده‌ای بر جای مانده و کاسه‌های شیشه‌ای بخشی از این آثار است. مطالعه کاسه‌های شیشه‌ای با تمرکز بر عناصر تشکیل‌دهنده، فرم و تزیینات آن‌ها، تحت عنوان ریخت‌شناسی یکی از روش‌های شناخت پیشینه و سیر تاریخی هنر شیشه‌گری ایران است. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخ این پرسش اساسی نمونه کاسه‌های شیشه‌ای متعلق به دوران پیش و پس از اسلام را مورد مطالعه قرار داده است: کاسه‌های شیشه‌ای ایران به لحاظ ریخت‌شناسانه در طول تاریخ چه تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند؟ روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام بی‌رنگ، تقریباً هم‌شکل و نیم‌کروی است و با نقوش هندسی و گیاهی تزیین شده‌اند. طی قرن‌ها و با برآمدن اسلام، شیوه‌های نوین ساخت و تزیین شیشه، باعث دگرگونی فرم کاسه‌های شیشه‌ای شده‌اند؛ به طوری که این کاسه‌ها از تنوع فرم، تزیین و رنگ برخوردار هستند. هنرمند شیشه‌گر علاوه بر نقوش هندسی از انواع نقوش جانوری، گیاهی، انسانی، نوشتاری و غیر هندسی در تزیین کاسه‌های دوران اسلامی بهره برده‌است. همچنین روش ساخت و تزیین کاسه‌های شیشه‌ای در گذر زمان دچار تحولاتی شده‌است.

واژه‌های کلیدی: شیشه‌گری، کاسه‌های شیشه‌ای، ایران باستان، ایران اسلامی، ریخت‌شناسی.

1- Email: mz375mz@gmail.com

2- Email: somayye.asadi75@gmail.com

3- Email: f.shamili@tabriziau.ac.ir

مقدمه

شیشه‌گری، یکی از شاخص‌ترین هنرهای سرزمین ایران، با وجود فراز و نشیب‌ها، در طول تاریخ به حیات درخشان خود ادامه داده‌است. هنر شیشه‌گری از دیرباز مورد توجه بشر بوده و در ایران از پیشینه تاریخی و هنری غنی برخوردار است. از دوران کهن و هم‌زمان با حکومت‌های هخامنشیان و ساسانیان، آثار شیشه‌ای ارزشمندی بر جای مانده‌است. روند ساخت و تزئین آثار شیشه‌ای در دوران اسلامی همچنان ادامه یافته و در قرن‌های ۳-۷ ه.ق. به شکوفایی رسیده‌است. آثار شیشه‌ای برجای‌مانده از سرزمین ایران نشانگر اهمیت این هنر در طول تاریخ است. با این همه باید اذعان کرد که همچنان بسیاری از جنبه‌های پر بار هنر شیشه‌گری ایران ناشناخته مانده و تبیین آن نیازمند مطالعه و بررسی ژرف‌نگرانه است. بدین منظور بخشی از آثار شیشه‌ای ایران به لحاظ ریخت‌شناسانه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کاسه‌های شیشه‌ای اشاره کرد که نمونه‌هایی از آن از دوران پیش و پس از اسلام در سرزمین ایران بر جای مانده است. این پژوهش جهت بررسی سیر تحول کاسه‌های شیشه‌ای ایران، از رویکرد ریخت‌شناسی بهره برده است. در واقع ریخت‌شناسی آثار مذکور، در پی شناخت عناصر ثابت و متغیر کاسه‌های شیشه‌ای است تا بدین ترتیب با توجه به مؤلفه‌های فرم، تزئینات و نقوش، تصویری کلی از هنر شیشه‌گری ایران در طول تاریخ ارائه دهد؛ بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال اساسی انجام یافته است که کاسه‌های شیشه‌ای ایران در طول تاریخ چه تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند و ویژگی‌های بصری و برجسته این کاسه‌ها در دوران پیش و پس از اسلام (۴ ق.م. - ۷ ه.ق.) کدام است؟

پیشینه تحقیق

تحلیل ریخت‌شناسی آثار در حوزه ادبیات موضوع تازه‌ای نیست. در حوزه آثار ادبی، مقاله‌های متعددی همچون «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی، بر اساس نظریه پراپ» از سعید زهره‌وند، مرضیه مسعودی و منصور رحیمی (۱۳۹۳)، «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ» از ابراهیم استاجی و سعید رمشکی

(۱۳۹۲)، «ریخت‌شناسی قصه قلعه ذات‌الصور در مثنوی طبق نظریه ولادیمیر پراپ» از مسعود روحانی و سبیکه اسفندیار (۱۳۸۹) و نیز مقالاتی دیگر، به مبحث ریخت‌شناسی و آرای پراپ پرداخته‌اند؛ اما در حوزه مطالعات هنری تحقیق جامعی که کاسه‌های شیشه‌ای را از منظر ریخت‌شناسی موضوع کاوش قرار دهد، نوشته نشده‌است. اسدالله معطوفی در کتاب سفال و شیشه شهر تاریخی گرگان (۱۳۹۳) به بررسی ویژگی‌های ظاهری شیشه گرگان مشتمل بر قندیل‌ها، صراحی‌ها و گلدان‌های شیشه‌ای در قالب جداولی پرداخته‌است. گلد اشتاین سیدنی ام در کتاب کارهای شیشه (۱۳۸۷)، جلد دهم از مجموعه هنرهای اسلامی، گردآوری ناصر خلیلی، پس از تعریف این هنر، آثار شیشه‌ای مناطق مختلف را مورد بررسی و واکاوی قرار داده و از لحاظ تکنیک ساخت، نقوش و رنگ آن‌ها را تحلیل کرده است. آرتر آپم پوپ در کتاب سیری در هنر ایران؛ از دوران پیش از تاریخ تا امروز (جلد پانزدهم: پیوست‌ها و تعلیقات) (۱۳۹۰) به بررسی صنعت شیشه‌گری قرن‌های نخستین اسلام در ایران، مصر و سوریه تا حمله مغول و بعد از آن در دوران سلسله‌های صفویه، زند و قاجار به اختصار پرداخته است. هلن علی‌اکبرزاده کرد مهینی در کتاب شیشه مجموعه مرز بازرگان (۱۳۷۲)، پیدایش صنعت شیشه‌گری، تاریخچه مختصری از شیشه‌گری بعد از اسلام و روش‌های ساخت آن را بیان و چندین اثر شیشه‌ای را با ذکر محل و زمان پیدایش آن‌ها معرفی کرده است. مسلم جعفری‌زاده و آرمان شیشه‌گر در مقاله «بررسی آثار شیشه‌ای اشکانی کاخ شائور» (۱۳۹۸)، قطعات شیشه‌ای یافت‌شده در کاوش‌های باستان‌شناسی کاخ شائور را مورد بررسی قرار داده‌اند. در میان این آثار و قطعات شیشه‌ای، بخش‌های شکسته‌ای از کاسه شیشه‌ای نیز پیدا شده که ساده و بدون تزئین است. در رابطه با موضوع پژوهش حاضر، تحقیق جامعی که به سیر تاریخی هنر شیشه‌گری ایران و ریخت‌شناسی کاسه‌های شیشه‌ای پرداخته باشد مشاهده نشد؛ از این‌رو این پژوهش ضروری می‌نماید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی و

شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر اثر، کارآمد است. عناصر ثابت، عناصری هستند که پیوسته در اثر وجود دارند و تغییر نمی‌کنند؛ اما عناصر متغیر به صورت‌های مختلف ظاهر شده و سبب تنوع می‌شوند (پارسا و صلواتی، ۱۳۸۹: ۵۶). شایان ذکر است هدف ریخت‌شناسی صرفاً مشخص کردن شکل و فرم آثار نیست؛ بلکه بسط آن به شناخت آثار، تعیین عناصر ثابت و متغیر هر اثر و در بُعد گسترده‌تر استخراج الگوی ریخت‌شناسانه، مقایسه و مطالعه تاریخی آثار به روش علمی، از طریق بررسی اجزای هر اثر است.

پراپ در این زمینه می‌نویسد تا زمانی که یک بررسی صحیح ریخت‌شناسانه وجود نداشته باشد تحقیق و مطالعه تاریخی درست، میسر نخواهد بود (پراپ، ۱۳۸۶: ۴۴). از آنجا که وی مطالعات ریخت‌شناسی صحیح را مستلزم هرگونه مطالعات در حوزه بررسی تاریخی می‌داند (خدیش، ۱۳۹۱: ۵۹) باید اذعان کرد که مطالعات ریخت‌شناسی مربوط به آثار هر دوره می‌تواند گام بزرگی در بررسی سیر تطور و تحول تاریخی فرم و تزیینات در حوزه آثار هنری باشد. با توجه به این که اساس نقد در هنر با هر رویکردی معطوف به فرم اثر هنری است، لذا به مدد این رویکرد می‌توان به تصویری کلی از ریخت آثار دست یافت و بدین ترتیب آن‌ها را مورد بررسی و تدقیق قرار داد.

نگرشی بر هنر شیشه‌گری ایران در دوران پیش از اسلام

هنر شیشه‌گری در ایران، صنعتی قدیمی بوده و از روزگاران کهن شهرت بسیار داشته‌است. با این که در مورد هنر و صنعت شیشه‌گری، اطلاعات دقیق تاریخی در دست نیست؛ اما کاوش‌های باستان‌شناسی و آثار مکشوفه حاکی از کاربرد گسترده این هنر و صنعت از دیرباز در سرزمین ایران است. یکی از کشفیاتی که در روشن شدن آغاز احتمالی ساخت شیشه در ایران نقش بسیار مهمی ایفا کرده، کشف مجموعه بناهای چغازنبیل در نزدیکی شوش است. در کاوش‌های باستان‌شناسی نیشابور، ری، تورنگ‌تپه در گرگان، تپه میل ورامین، هرمزگان، ساوه، دقیانوس در کرمان، شهر حریره کیش و... در سال‌های اخیر، نمونه آثار شیشه‌ای مربوط به دوره‌های مختلف پیش از اسلام و دوران اسلامی به دست آمد. همچنین بندر سیراف، یکی از مراکز مهم بازرگانی دریای

بر حسب زمان گذشته‌نگر است. اطلاعات و تصاویر از طریق منابع کتابخانه‌ای معتبر و در دسترس گردآوری شده‌است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۶۳ کاسه شیشه‌ای متعلق به سرزمین ایران از دوران پیش از اسلام یعنی از قرن ۴ ق.م. تا قرون ۷-۶ ه.ق. است که اطلاعات مربوط به آن‌ها از کتاب‌های معتبر و تخصصی در حوزه شیشه‌گری جمع‌آوری شده و روش نمونه‌گیری، غیر احتمالی از نوع وضعی (تورشدار) است. ۲۰ نمونه از این جامعه به دوره پیش از اسلام و ۴۳ مورد به دوره پس از اسلام تعلق دارند. در این پژوهش تمام آثار به روش کیفی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

ریخت‌شناسی

رویکرد و پشتوانه نظری پژوهش حاضر، ریخت‌شناسی دانشی در حوزه مطالعات ادبی است که هم اکنون در سایر عرصه‌ها از جمله در مطالعات هنری کاربرد دارد. اصطلاح ریخت‌شناسی یا مرفولوژی^۱ نخستین بار با ولادیمیر پراپ^۲ محقق و مردم‌شناس روس، مطرح شد. وی این اصطلاح را از دانش زیست‌شناسی وام گرفته و معتقد است «ریخت‌شناسی یعنی بررسی و شناخت اجزای تشکیل‌دهنده گیاه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر و با کل گیاه» (پراپ، ۱۳۸۶: ۷). از نظرگاه وی بررسی فرم آثار به همان اندازه از اهمیت برخوردار است که ریخت‌شناسی شکل موجودات. وی پژوهش در اشکال ظاهری موجودات (اعم از زنده و غیر زنده) را وظیفه ریخت‌شناسی می‌داند.

ریخت‌شناسی به لحاظ واژگانی به معنای بررسی و شناخت ریخت‌ها (همان: ۱۷) و مطالعه صورت‌هاست؛ یعنی مطالعه اجزای تشکیل‌دهنده یک شیء و روابطشان با یکدیگر و با کل ساختار آن شیء (آسا برگر، ۱۳۷۹: ۳۲). پس می‌توان گفت ریخت‌شناسی ارتباط تنگاتنگی با ساختار و شکل دارد؛ از این رو برای درک و مطالعه یک اثر باید اجزا و عناصر آن را بررسی کرد (گلدمن، ۱۳۸۲: ۱۰-۹).

ریخت‌شناسی به عنوان یکی از روش‌های تبیین هنری، رویکردی است که در اغلب موارد عناصر تشکیل‌دهنده اثر را مورد مطالعه قرار می‌دهد و به بررسی فرم، ساختار کلی اجزا، نقوش و تزیینات می‌پردازد. به عبارت دیگر، ریخت‌شناسی در

پس از سلوکیان، در زمان حکومت اشکانیان همچنان ادامه داشته‌است. نخستین آثار شیشه‌ای دوران اشکانی مربوط به قرن‌های دوم تا اول قبل از میلاد بوده که از ویرانه‌های خزانه شاهی مهرداد پیدا شده‌است (صالح‌وند، ۱۳۹۵: ۳۹).

وجود آثاری که از محوطه‌های باستانی دوره اشکانی مربوط به قرن‌های ۱-۳ م. در مناطق تحت تسلط ایشان به دست آمده، حاکی از استمرار و تداوم این صنعت در طول حکومت دراز مدت ایشان است و کاربرد ظروف، زیور و دیگر آثار شیشه‌ای این دوره را نشان می‌دهد (پوپ، ۱۳۹۰: ۱۳۷-۱۳۸). هنر شیشه‌گری در زمان هخامنشی و اشکانی به صورت محدود ادامه داشته؛ اما در زمان ساسانیان بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌است. باید اذعان داشت زیباترین و شکیل‌ترین ظروف و دست‌آفریده‌های شیشه‌ای ایران در دوران ساسانی پدید آمده و در حقیقت این دوران اوج شکوفایی هنر شیشه‌گری پیش از اسلام است (همان: ۱۳۹).

نگرشی بر هنر شیشه‌گری ایران دوره اسلامی

شیشه‌گری یکی از هنرهای دیرین، ارزنده و رو به رشد ایران در طول تاریخ اسلام است. شیشه‌گری ایران در دوران اسلامی ضمن حفظ و تداوم تکنیک‌های ساخت و تزیین آثار شیشه‌ای دوره ساسانی، تکامل و رونق یافت.

هنر شیشه‌گری در ایران پس از رکود کوتاهی در سال ۱۲۸ هـ. ق. با روی کار آمدن عباسیان دوباره رواج یافت (عطارزاده و هوشیار، ۱۳۹۶: ۲۰۳). در قرن‌های نخستین اسلام سلسله‌های ایرانی به خصوص آل‌بویه در شکل‌گیری هنر اسلامی سهم بسزایی داشته‌اند. با گذشت حدود سه قرن از استیلای مسلمانان بر ایران، هنر شیشه‌گری مورد توجه واقع شد و به لحاظ ریخت، فرم و تزیینات تغییراتی کرد؛ چرا که در قرن‌های ۳ و ۴ هـ. ق. ایران تجدید حیات علمی، فرهنگی و هنری یافت و زیر لوای سامانیان از آسایش مادی و معنوی برخوردار شد.

توجه به هنر و ادبیات از خدمات مهم شاهان سامانی بوده‌است؛ به طوری که می‌توان گفت دوره آن‌ها نهضتی برای هنر ملی ایران به شمار می‌رود (علام، ۱۳۸۶: ۷۸). این توجه به هنرمندان و صنعتگران باعث شد شیشه‌گری که از دوران قبل وجود داشت، دوره‌ای از تغییر و تحول را سپری کند (نصری اشرفی، ۱۳۸۸:

خلیج فارس، در این سال‌ها کاوش شد و آثاری از کوره‌های شیشه‌گری و قطعات شیشه‌ای مربوط به دوران اسلامی به دست آمد که به وجود کارگاه شیشه‌گری اشاره دارد (پوپ، ۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۷).

مورخان با استناد به مدارک و شواهد به دست آمده، آغاز صنعت شیشه‌گری را در منطقه بین‌النهرین می‌دانند. تمدن عیلام کهن که در مجاورت این منطقه قرار داشت نیز از این فن و هنر بهره برده و بدین ترتیب هنر شیشه‌گری وارد ایران شده است (موسوی حاجی و نیک‌بر، ۱۳۹۳: ۱۲۰). در میان نخستین آثار شیشه‌ای به دست آمده در ایران، می‌توان از مهرهای استوانه‌ای مکشوفه در حفاریات چغازنبیل خوزستان نام برد که به دوره عیلام میانی (نیمه دوم هزاره دوم پیش از میلاد) تعلق دارد و منشأ هنر شیشه‌گری را در ایران روشن‌تر کرده‌است (علی‌اکبرزاده کرد مهینی، ۱۳۷۲: ۲۵).

اولین نشانه‌ها از ظروف شیشه‌ای دوران هخامنشی را می‌توان در ادبیات کهن مربوط به ایران یافت؛ چنانکه نویسندگان و مورخان یونانی از جمله آریستوفانس^۲ در یکی از نوشته‌های خود به استعمال جام‌های بلورین در دربار ایران در این دوران اشاره کرده‌است (بهمنی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). بیش از نیم قرن است که کاوش‌های متعددی از دوره هخامنشی در سراسر کشورهای مفتوح این شاهنشاهی و به خصوص ایران صورت گرفته که گویای این است که در این دوران علاوه بر تولید شیشه مات و نیمه‌شفاف که اکثراً در ساخت زیورها و نوعی سرمه‌دان مزین به رشته‌های شیشه‌ای استفاده می‌شد، شیشه‌گران کاسه‌هایی از شیشه شفاف و بی‌رنگ نیز تولید کرده‌اند (Tait, 1991: 31-32).

در زمان سلوکیان، ایران و دیگر سرزمین‌های تحت سلطه آنان، درگیر جنگ‌های متعددی بودند و با توجه به کوتاهی دوران حکومت آن‌ها، اغلب هنرها و شیشه‌گری چندان مورد توجه واقع نشده‌است؛ از این‌رو هنرهای این زمان از جمله شیشه‌گری به صورت مجرد قابل بررسی نیست و به سختی بتوان آثاری به این دوره نسبت داد؛ اما به نظر می‌رسد هنر شیشه‌گری هخامنشی پس از تلفیق با عناصر یونانی، در خلق آثاری همچون ظرف و زیورها، تداوم یافته و تجارت این اشیا نیز معمول بوده‌است (پوپ، ۱۳۹۰: ۱۳۷). هنر شیشه‌گری

اکثر آثار نابود و صنایع و هنرها به دست فراموشی سپرده شدند. کمبود آثار شیشه‌ای از این دوران حاکی از آن است که این صنعت شکوه دوران قبل را بازیافت (پوپ، ۱۳۹۰: ۱۴۸). از این دوره به بعد شیشه‌گری رو به انحطاط نهاد و حدود سه قرن مسکوت ماند؛ به طوری که این هنر در دوره ایلخانان و تیموریان در کارگاه‌های کوچک و محدودی ادامه یافت. در دوره حکومت صفویان و سلطنت شاه‌عباس این هنر در ایران دوباره احیا شد؛ اما از کیفیت شیشه‌های روزگار گذشته برخوردار نبود. به همین سبب شاه‌عباس شیشه‌گران ونیزی را به ایران آورد و این گواهی بر نبود هنر شیشه‌گری در اوایل دوره صفوی است (گلاک و پنتون، ۱۳۸۵: ۱۰۳). در دوره صفوی اغلب ظروف شیشه‌ای در اصفهان و شیراز ساخته می‌شد و از سیاحت‌نامه شاردن^۴ چنین استفاده می‌شود که زیباترین نمونه‌ها در شیراز تولید می‌شده و شیشه‌های اصفهان از مرغوبیت و ارزش کمتری برخوردار بوده‌اند (بامبرو، ۱۳۹۴: ۱۰۹). پس از صفویان سلسله‌های افشار، زند و قاجار روی کار آمدند. محصولات شیشه‌ای این دوره‌ها را می‌توان تداوم اشکال و تزیینات شیشه‌های دوران صفوی دانست (پوپ، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

شیوه‌های ساخت و تزیین کاسه‌های شیشه‌ای ایران در دوران پیش و پس از اسلام

کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام در ایران از دوران حکومت هخامنشیان و ساسانیان بر جای مانده که اکثر آن‌ها متعلق به عصر ساسانی است. با این که شیشه‌گری در دوران اشکانی رواج داشته اما کاسه‌های شیشه‌ای از این دوران باقی نمانده‌است. از قرن‌های نخستین اسلام تعداد اندکی از کاسه‌های شیشه‌ای در ایران بر جای مانده و با رونق و شکوفایی هنر شیشه‌گری در قرون بعد، تعداد این آثار بیشتر شده‌است.

نخستین نمونه کاسه‌های شیشه‌ای در ایران، از دوران هخامنشی برجای مانده‌است. شیشه‌گران عصر هخامنشی موفق شدند کاسه‌های شیشه‌ای شفاف و بی‌رنگی به تقلید از ظروف فلزی آن دوران تولید کنند. دو نمونه از کاسه‌های برجای مانده، بزرگ و گود است، کف گرد و لبه پهنی دارد و نقش برجسته‌ای از گل نیلوفر، دیواره خارجی آن‌ها را آراسته است (تصویر ۱ و ۲). کاسه دیگری در همین فرم-متشکل از

۴۲۶). آثار به‌دست‌آمده از حفاری‌های نیشابور و سمرقند نشان‌دهنده دو مرکز بزرگ ساخت شیشه در عصر سامانیان بوده‌است (عطارزاده و هوشیار، ۱۳۹۶: ۲۰۴). در گذشته چنین تصور می‌شد که اشیای شیشه‌ای دوران اسلامی فقط در مصر، سوریه و بین‌النهرین ساخته شده‌اند؛ اما در سال‌های اخیر، آثار شیشه‌ای متعددی مختص دوران اسلامی در ایران کشف شده‌است (فوکایی، ۱۳۷۱: ۹۷). در طول حکومت صفاریان، آل زیار و آل بویه که امرای آن‌ها همچون سامانیان به علوم و هنر توجه داشتند و همچنین در قرون بعدی و عصر حاکمیت غزنویان، غوریان و سلجوقیان، اشیای شیشه‌ای ارزنده‌ای در کارگاه‌های شیشه‌گری ایران ساخته شده‌است.

ورود سلجوقیان به ایران در قرن ۵ هـ ق. از سویی توسعه روزافزون هنر ایران را در قرن‌های بعد رقم زد و از سوی دیگر باعث ترقی انواع هنرها، از جمله شیشه‌گری شد و البته حمایت و تشویق پادشاهان سلاجقه در تعالی این هنر مؤثر واقع شد (بازورث، ۱۳۸۰: ۱۵۸). در این دوران صنعتگران و هنرمندان به شیوه‌های جدید در ساخت و تزیین شیشه روی آوردند و استفاده از قالب‌های گوناگون نقوش برجسته و کنده‌کاری در شیشه را رواج دادند. امکان دارد دمیدن شیشه درون قالب‌های فلزی جایگزینی کم‌هزینه و کم‌زحمت به جای تراش و کنده‌کاری- که در گذشته روشی معمول بود- باشد (فریه، ۱۳۷۴: ۲۹۸). در قرن‌های ۵ و ۶ هـ ق. زیبایی، تنوع و تکنیک صنعت شیشه به اوج خود رسید؛ به طوری که آثار باقی‌مانده، نشانه‌هایی از پیشرفت صنعت شیشه‌گری در دوران سلجوقی است (معطوفی، ۱۳۹۳: ۱۷۲). گنجینه آثار شیشه‌ای قرون ۵ و ۶ هـ ق. نشان‌دهنده عظمت این هنر و میزان تسلط شیشه‌گران است. چنانکه از کاوش‌های باستان‌شناسی برمی‌آید شهرهای نیشابور، گرگان و ری در ساخت و تجاری‌سازی شیشه در قرن‌های ۵-۷ هـ ق. فعال بوده‌اند و وجود روابط بازرگانی و هنری بین این شهرها سبب شباهت آثار آن‌ها شده‌است. حفاریات مناطق ری، گرگان و نیشابور این ادعا را ثابت می‌کند (تجویدی، ۱۳۸۶: ۷۱). کشمکش‌های سیاسی در اواخر دوران سلجوقی منجر به فرمانروایی خوارزمشاهیان بر ایران شد؛ اما در فرصت کوتاه حکومت آن‌ها نمی‌توان در هنرها از جمله شیشه‌گری انتظار تحولی را داشت؛ زیرا حمله مغول چنان ویرانی به بار آورد که

برای شناخت آثار شیشه‌ای این دوره به شمار می‌رود. تزیین شیشه با تراشیدن و ساییدن سطح آن، بیشتر روی شیشه‌های عصر ساسانی مشاهده می‌شود که در سرتاسر جهان شهرت بسیاری دارند.

تزیین کاسه‌های شیشه‌ای به وسیله تراش دادن قسمت‌هایی از بدنه اثر- که پس از سرد و سخت شدن آن صورت می‌گیرد- را می‌توان به چند دسته کلی شامل تراش سطحی، سطحی دوبر، سطحی برجسته و خطی تقسیم کرد (علی‌اکبرزاده کرد مهینی، ۱۳۷۲: ۲۷-۲۸).

در تراش سطحی، شیشه‌گر بدنه کاسه را با ذوق و سلیقه خود به چند ردیف تقسیم و در هر ردیف با ساییدن بدنه دوایر تو گودی در کنار یکدیگر ایجاد می‌کند. این دایره‌ها مماس با یکدیگر یا با فواصل منظم، سطح آثار شیشه‌ای و اغلب کاسه‌های شیشه‌ای را تزیین کرده‌است. در صورتی که دایره‌ها در کنار یکدیگر و مماس با هم تراش داده شده باشند، چندضلعی‌هایی روی ظرف را می‌پوشانند که شبیه نقش لانه‌زنبوری نمایان می‌شوند. تراش لانه‌زنبوری از معروف‌ترین و شاخص‌ترین تراش‌های دوره ساسانی است (تصویر ۴).



تصویر ۴: تراش لانه‌زنبوری (Page, 2006: 51)

هنرمند شیشه‌گر بعد از تراش دایره‌هایی کوچک با فواصل منظم روی بدنه، دوایر بزرگ‌تری که دایره‌های کوچک را دربرمی‌گیرند، تراش می‌دهد؛ بدین ترتیب دورتادور بدنه ظرف، دوایر متحدالمركز به صورت برجسته به وجود می‌آید؛ این نوع تراش سطحی دوبر می‌نامند. تراش سطحی برجسته، شیوه تکامل‌یافته تزیین به روش دمیدن در قالب است. در این روش نقش مورد نظر در قالبی با زواید برجسته ایجاد شده و بعد از شکل‌یافتن شیشه مذاب در قالب، شیشه‌گر روی این زواید را پس از سرد شدن شیشه به صورت دایره‌های توگود تراش می‌دهد. تراش خطی شامل خطوط مستقیم، منحنی و کوتاه در کنار دیگر تراش‌های مذکور مورد استفاده

دو تکه، شامل کاسه زیرین و بشقاب رویی- و بدون تزیینات مختص دوره هخامنشی یافت شده‌است (تصویر ۳).



تصویر ۱: کاسه شیشه‌ای دوره هخامنشی (Page, 2006: 21)



تصویر ۲: کاسه شیشه‌ای مزین به نقوش گیاهی (Ricke, 2002: 18)



تصویر ۳: کاسه شیشه‌ای دو تکه (Ricke, 2002: 19)

در میان آثار شیشه‌ای یافت‌شده از دوران هخامنشی در ایران، اثری که با روش دمیدن در قالب، ساخته شده باشد، وجود ندارد (عطارزاده و هوشیار، ۱۳۹۶: ۲۰۱). شیشه‌گران آن دوران برای ساخت این ظروف از روش فشردن در قالب بهره گرفته‌اند (پوپ، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

با فرا رسیدن دوره اشکانی تغییر و تحولاتی در حوزه شیشه‌گری به وقوع پیوست و در اوایل قرن اول پیش از میلاد با پیدایش روش دمیدن شیشه، این هنر و صنعت وارد مرحله نوینی شد و شیشه‌گران توانستند با استفاده از این روش، ظروف شیشه‌ای متنوعی با تعداد فراوان تولید کنند. شیوه دمیدن شیشه (دمیدن در قالب یا دمیده آزاد) در طول تاریخ و با تجربیات هنرمندان شیشه‌گر طی دوران اسلامی تکامل یافته‌است. شیوه دمیدن در قالب، در دوران ساسانی نیز به پیروی از سنت شیشه‌گری پیشینیان ادامه یافته‌است. شیشه‌های ساخته‌شده با روش دمیدن در قالب، جداره ضخیمی داشته و به همین سبب زمینه مناسبی برای اعمال تزیین تراش روی شیشه بوده‌است. تراش روی شیشه رایج‌ترین تزیین شیشه‌های دوره ساسانی است که نشانه‌ای

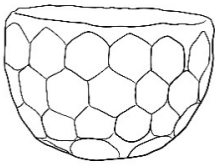

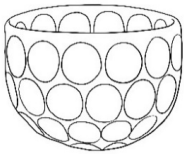
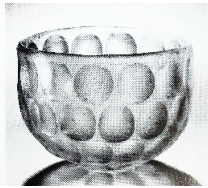
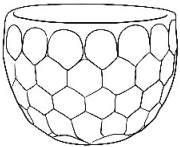

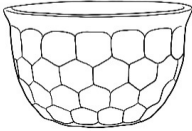

بدنه آثار شیشه‌ای فراهم می‌کند و علاوه بر آن هزینه و زمان کمتری می‌طلبد. در دوران اسلامی شیوه کنده‌کاری و تراش برجسته سطح آثار شیشه‌ای دو پوست که در آن تمامی سطح بیرونی اثر به جز خود نقش‌ها تراشیده می‌شد، رواج یافت. شیوه مذکور کامتو نامیده می‌شود. همچنین افزودن نوارهایی از شیشه مذاب به بدنه کاسه‌های شیشه‌ای هنگامی که از گرما برخوردار هستند، یکی دیگر از روش‌های تزئین شیشه است که بر روی آثار شیشه‌ای دوران اسلامی و نیز کاسه‌های شیشه‌ای ساخته‌شده به شیوه دمیده آزاد مشاهده می‌شود. کاسه‌های شیشه‌ای ایران در دوران پیش از اسلام در جدول ۱ و کاسه‌های شیشه‌ای دوران اسلامی ایران در جدول ۲، بر اساس توالی و ترتیب تاریخی در کنار طرح خطی و توضیحات هر اثر گنجانده شده‌است.

قرار گرفته‌است. این نوع تراش شیشه در دوران اسلامی رواج بیشتری یافته‌است. در دوران اسلامی استفاده از شیوه‌های قدیمی ساخت و تزئین آثار شیشه‌ای همچنان ادامه داشته و هم‌زمان شیوه‌ها و نوآوری‌هایی به ویژه در زمینه تزئین آثار شکل گرفته‌است. روش دمیدن در قالب از جمله روش‌های هم‌زمان ساخت و تزئین شیشه می‌باشد؛ بدین نحو که مذاب شیشه درون قالبی - که نقش به صورت منفی در قالب کنده شده - دمیده می‌شود و هم‌زمان شکل قالب و نقوش را به خود می‌گیرد. در این دوران روش دمیدن در قالب جانشین تراش روی شیشه شده‌است. به بیان دیگر، تزئیناتی که در دوران پیش از اسلام با زحمت دست شیشه‌گر و چرخ تراش انجام می‌گرفت، با دمیدن مذاب شیشه درون قالب اجرا شده‌است. این روش ساخت و تزئین امکان اجرای نقوش متنوعی بر روی

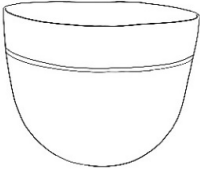





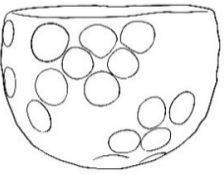

جدول ۱: کاسه‌های شیشه‌ای ایران در دوران پیش از اسلام (نگارندگان، ۱۳۹۹)

تصویر ۱	طرح خطی	تصویر ۲	طرح خطی
			
قرن ۴ ق. م. (Page, 2006: 21)	قرن ۴ ق. م. (Ricke, 2002: 18)	کاسه بی‌رنگ، نقش گل نیلوفر، فشرده در قالب	کاسه بی‌رنگ، نقش گل نیلوفر، فشرده در قالب
تصویر ۳	طرح خطی	تصویر ۴	طرح خطی
			
قرن ۴ ق. م. (همان: ۱۹)	قرن ۳-۶ م. (Whitehouse, 2005: 27)	کاسه بی‌رنگ، فاقد نقوش، فشرده در قالب، دو تکه	کاسه آبی، نقوش هندسی، فشرده در قالب
تصویر ۵	طرح خطی	تصویر ۶	طرح خطی
			
قرن ۴-۵ م. (Ricke, 2002: 36)	قرن ۴-۶ م. (گلد اشتاین، ۱۳۸۷: ۳۶)	کاسه بی‌رنگ، نقوش هندسی برجسته، فشرده در قالب	کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی

طرح خطی	تصویر ۸	طرح خطی	تصویر ۷
			
قرن ۵-۶ م. (Whitehouse, 2005: 42)		قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۱)	
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی دوبل	
طرح خطی	تصویر ۱۰	طرح خطی	تصویر ۹
			
قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۴)		قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۳)	
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش لانه‌زنبوری		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش لانه‌زنبوری	
طرح خطی	تصویر ۱۲	طرح خطی	تصویر ۱۱
			
قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۵)		قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۴)	
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی	
طرح خطی	تصویر ۱۴	طرح خطی	تصویر ۱۳
قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۶)		قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۵)	
			
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی برجسته		کاسه بی‌رنگ مایل به قهوه‌ای، دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی برجسته	
طرح خطی	تصویر ۱۶	طرح خطی	تصویر ۱۵
			
قرن ۵-۶ م. (گلد اشتاین، ۱۳۸۷: ۴۷)		قرن ۵-۶ م. (همان: ۴۶)	
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی دوبل		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی برجسته	

طرح خطی	تصویر ۱۸	طرح خطی	تصویر ۱۷
			
قرن ۵-۷ م. (گلد اشتاین، ۱۳۸۷: ۳۴)		قرن ۶ م. (Ricke, 2002: 37)	
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش لانه‌زنبوری		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی	
طرح خطی	تصویر ۲۰	طرح خطی	تصویر ۱۹
			
قرن ۵-۷ م. (Page, 2006: 51)		قرن ۵-۷ م. (همان: ۳۸)	
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش لانه‌زنبوری		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش لانه‌زنبوری	

جدول ۲: کاسه‌های شیشه‌ای ایران در دوران اسلامی (نگارندگان، ۱۳۹۹)




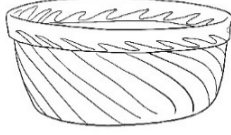
طرح خطی	تصویر ۲	طرح خطی	تصویر ۱
			
قرن ۱-۲ هـ ق. (علی اکبرزاده کرد مهینی، ۱۳۷۲: ۶۵)		قرن ۱-۲ هـ ق. (Ricke, 2002: 37)	
کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، فاقد نقوش		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش سطحی دوبر	
طرح خطی	تصویر ۴	طرح خطی	تصویر ۳
			
قرن ۱-۲ هـ ق. (همان: ۶۳)		قرن ۱-۲ هـ ق. (همان: ۵۵)	
کاسه بی‌رنگ مایل به نباتی، دمیده در قالب، نقوش گیاهی، تراش خطی		کاسه بی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش هندسی، تراش لانه‌زنبوری	

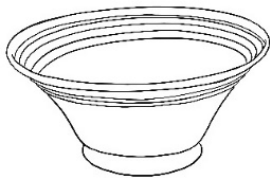
تصویر ۵	طرح خطی	تصویر ۶	طرح خطی
			
قرن ۳ هـ ق. (Kroger, 1995: 141)	قرن ۳ هـ ق. (همان: ۱۴۱)	قسمت زیرین کاسه شماره ۵	
کاسه آبی تیره، دمیده در قالب، نقوش قالبی جانوری بز کوهی	نقوش قالبی جانوری و گیاهی شامل پرنده و درخت	تصویر ۷	طرح خطی
			
قرن ۳-۴ هـ ق. (Ricke, 2002: 43)	قرن ۳-۴ هـ ق. (همان: ۴۳)	کاسه سبز و قرمز دمیده در قالب، فاقد نقوش	کاسه سبز دمیده در قالب، فاقد نقوش
تصویر ۹	طرح خطی	تصویر ۱۰	طرح خطی
			
قرن ۳-۴ هـ ق. (همان: ۴۳)	قرن ۳-۴ هـ ق. (Carboni, 2001: 156)	کاسه سبز دمیده در قالب، فاقد نقوش	کاسه بی‌رنگ مایل به قهوه‌ای دمیده در قالب، فاقد نقوش
تصویر ۱۱	طرح خطی	تصویر ۱۲	طرح خطی
			
قرن ۳-۴ هـ ق. (Kroger, 1995: 53)	قرن ۳-۴ هـ ق. (گلد اشتاین، ۱۳۸۷: ۶۹)	کاسه سبز دمیده در قالب، فاقد نقوش، دارای نوار افزوده	کاسه بی‌رنگ مایل به زرد، دمیده در قالب، نقوش گیاهی
تصویر ۱۳	طرح خطی	تصویر ۱۴	طرح خطی
			

قرن ۳-۴ ه. ق. (Tait, 1991: 118)		قرن ۳-۴ ه. ق. (Carboni & Whitehouse, 2001: 175)	
کاسه آبی رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی گیاهی		کاسه بی رنگ مایل به ارغوانی، دمیده در قالب، نقوش قالبی گیاهی	
طرح خطی	تصویر ۱۶	طرح خطی	تصویر ۱۵
			
قرن ۳-۴ ه. ق. (همان: ۱۸۸)		قرن ۳-۴ ه. ق. (Carboni & Whitehouse, 2001: 176)	
کاسه سبزرنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی جانوری پرند		کاسه بی رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی جانوری اسب	
طرح خطی	تصویر ۱۸	طرح خطی	تصویر ۱۷
			
قرن ۳-۴ ه. ق. (بساولی، ۱۳۹۳: ۴۹)		قرن ۳-۴ ه. ق. (همان: ۱۷۷)	
کاسه آبی رنگ دمیده در قالب، نقوش گیاهی، تراش		کاسه آبی فیروزه‌ای اپک دمیده در قالب، نقوش جانوری خرگوش	
طرح خطی	تصویر ۲۰	طرح خطی	تصویر ۱۹
			
قرن ۴ ه. ق. (Whitehouse, 2010: 277)		قرن ۴ ه. ق. (Carboni, 2001: 91)	
کاسه قرمز- بنفش، دمیده در قالب، نقوش قالبی انسانی و جانوری		کاسه بی رنگ، دمیده در قالب، نقوش قالبی حیوان چهارپا	
طرح خطی	تصویر ۲۲	طرح خطی	تصویر ۲۱
			
قرن ۴ ه. ق. (همان: ۴۴)		قرن ۴ ه. ق. (Kroger, 1995: 45)	
کاسه بی رنگ مایل به سبز، دمیده در قالب، فاقد نقوش		کاسه بی رنگ مایل به سبز، دمیده در قالب، فاقد نقوش	

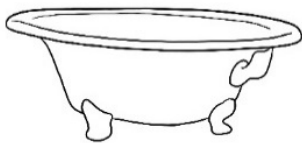
طرح خطی	تصویر ۲۴	طرح خطی	تصویر ۲۳
			
قرن ۳-۵ هـ ق. (همان: ۷۶)		قرن ۳-۵ هـ ق. (گلد اشتاین، ۱۳۸۷: ۷۴)	
کاسه سبزرنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی		کاسه سبز- آبی، دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی	
طرح خطی	تصویر ۲۶	طرح خطی	تصویر ۲۵
			
قرن ۴-۵ هـ ق. (Carboni, 2001: 208)		قرن ۳-۵ هـ ق. (همان: ۷۷)	
کاسه سبزرنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، فاقد نقوش	
طرح خطی	تصویر ۲۸	طرح خطی	تصویر ۲۷
			
قرن ۴-۵ هـ ق. (علی اکبرزاده کرد مهینی، ۱۳۷۲: ۱۱۷)		قرن ۴-۵ هـ ق. (همان: ۲۰۹)	
کاسه نباتی دمیده در قالب، نقوش نوشتاری، تراش خطی		کاسه سبز- آبی، دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی	
طرح خطی	تصویر ۳۰	طرح خطی	تصویر ۲۹
			
قرن ۴-۵ هـ ق. (همان: ۱۳۶)		قرن ۴-۵ هـ ق. (گلد اشتاین، ۱۳۸۷: ۸۲)	
کاسه سفید و آبی‌رنگ کامئو، نقوش نوشتاری		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی	
طرح خطی	تصویر ۳۲	طرح خطی	تصویر ۳۱
			
قرن ۴-۵ هـ ق. (همان: ۸۱)		قرن ۴-۵ هـ ق. (همان: ۱۴۷)	
کاسه سبزرنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی غیرهندسی		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی غیرهندسی	

تصویر ۳۳		طرح خطی		تصویر ۳۴		طرح خطی	
قرن ۴-۶ ه. ق. (همان: ۸۳)		قرن ۴-۶ ه. ق. (همان: ۸۳)		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی	
تصویر ۳۵		طرح خطی		تصویر ۳۶		طرح خطی	
قرن ۴-۶ ه. ق. (همان: ۸۳)		قرن ۴-۶ ه. ق. (همان: ۸۳)		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی	
تصویر ۳۷		طرح خطی		تصویر ۳۸		طرح خطی	
قرن ۴-۶ ه. ق. (همان: ۸۴)		قرن ۴-۶ ه. ق. (همان: ۱۵۹: 2001, Carboni)		کاسه ارغوانی‌رنگ، دمیده آزاد، فاقد نقوش		کاسه زرد-سبز، دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی	
تصویر ۳۹		طرح خطی		تصویر ۴۰		طرح خطی	
قرن ۵-۶ ه. ق. (همان: ۱۸۰)		قرن ۵-۶ ه. ق. (همان: ۱۸۱)		کاسه سبزرنگ، دمیده آزاد، فاقد نقوش		کاسه آبی‌رنگ، دمیده آزاد، فاقد نقوش	
تصویر ۴۱		طرح خطی		تصویر ۴۲		طرح خطی	
قرن ۵-۶ ه. ق. (همان: ۲۲۰)		قرن ۵-۶ ه. ق. (همان: ۲۲۰)		کاسه سبزرنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی گیاهی و هندسی		کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی	

تصویر ۴۳	طرح خطی	تصویر ۴۴	طرح خطی
			
قرن ۶-۷ هـ ق. (همان: ۲۵۶)	قرن ۶-۷ هـ ق. (Carboni & Whitehouse, 2001: 23)	کاسه آبی‌رنگ دمیده در قالب، نقوش قالبی غیرهندسی	کاسه بی‌رنگ مایل به سبز، دمیده در قالب، نقوش قالبی هندسی



تصویر ۶: پایه ساده (نگارندگان، ۱۳۹۹)



تصویر ۷: پایه افزوده‌شده با خمیر شیشه (نگارندگان، ۱۳۹۹)

نقوش تزئینی: تزئینات و نقوش یکی دیگر از عناصر متغیر کاسه‌های شیشه‌ای است. این تزئینات در دو بخش انتزاعی محض و شمایی-انتزاعی قابل بررسی است. تزئینات انتزاعی محض شامل نقوش هندسی، غیر هندسی و نوشتاری است و همچنین تزئینات شمایی-انتزاعی نقوش جانوری، گیاهی و انسانی را دربرمی‌گیرد. طبق بررسی‌های انجام یافته بر روی کاسه‌های شیشه‌ای دوران پیش از اسلام آشکار شد که بدنه کاسه‌های مذکور اغلب با تزئینات انتزاعی محض شامل نقوش هندسی، مزین شده و دایره پرکاربردترین این نقوش است. دو نمونه از کاسه‌های دوران پیش از اسلام، با نقش گیاهی (گل نیلوفر) تزئین شده و یک اثر فاقد تزئینات است؛ علاوه بر این که این نوع تزئینات (هندسی و گیاهی) بدون انقطاع بر روی کاسه‌های شیشه‌ای ایران در دوران اسلامی ادامه یافته، نقوش جانوری، انسانی، غیرهندسی و نوشتاری نیز توسط هنرمندان شیشه‌گر مورد استفاده قرار گرفته است. در دوران اسلامی نقوش هندسی همچنان از نقوش مورد علاقه هنرمندان شیشه‌گر بوده‌است. از میان کاسه‌های مورد مطالعه، یک اثر با نقوش نوشتاری به روش کامئو- شیوه‌کننده‌کاری

ریخت‌شناسی کاسه‌های شیشه‌ای

با نگرشی ریخت‌شناسانه به آثار مذکور می‌توان دریافت که بدنه عنصری ثابت و لبه، پایه، تزئینات و نقوش از عناصر متغیر این آثار است:

فرم: فرم بدنه کاسه‌های شیشه‌ای انواع متنوعی دارد. کاسه‌های شیشه‌ای دوران پیش از اسلام اغلب به شکل نیم‌کروی ساخته شده و سپس تزئین یافته‌اند. به مرور زمان و در دوران اسلامی با روی آوردن شیشه‌گران به استفاده از قالب در ساخت و تزئین آثار، کاسه‌های شیشه‌ای با تنوع فرمی که هر کدام تزئینات و نقوش متفاوتی دارند، ساخته شده‌اند.

۳مورد از کاسه‌های شیشه‌ای پیش از دوران اسلامی و ۱ مورد از کاسه‌های دوره اسلامی دارای لبه برگشته به بیرون هستند. شایان ذکر است لبه کاسه شیشه‌ای برجای‌مانده از قرون ۴-۵ هـ ق. لوب‌دار بوده و شیشه‌گر تعداد ۹ لوب به وسیله ابزار در لبه آن ایجاد کرده‌است (تصویر ۵).



تصویر ۵: کاسه لوب‌دار (گلد اشتاین، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

در ۲۱ نمونه از کاسه‌های شیشه‌ای (۵ نمونه پیش از اسلام و ۱۶ نمونه پس از اسلام) پایه، سطح دایره‌ای ساده و مسطحی است و در یک نمونه با خمیر شیشه به کف کاسه افزوده شده‌است (تصویر ۶ و ۷). سایر کاسه‌های شیشه‌ای بدون پایه هستند.



تصویر ۱۱: طرح خطی کاسه شیشه‌ای (نگارندگان، ۱۳۹۹)

در بررسی تزیینات شمایل‌ی - انتزاعی گیاهی، نقوش در دو حالت گل و برگ مشاهده می‌شود. همچنین تزیینات جانوری روی کاسه‌های شیشه‌ای، شامل نقوش پرنده، خرگوش، اسب، بز کوهی و جانور چهارپا می‌باشد. این تزیینات به صورت مجرد یا در میان دیگر تزیینات و نقوش، بدنه کاسه‌های شیشه‌ای را آراسته‌اند؛ به طوری که تلفیقی از نقوش یادشده، توسط هنرمند شیشه‌گر بر روی این آثار مورد استفاده قرار گرفته است.

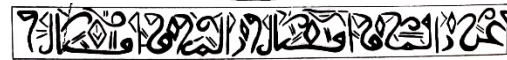
رنگ و ابعاد: در رابطه با رنگ و اندازه کاسه‌های شیشه‌ای ایران در گذر زمان، باید اذعان داشت بیشتر کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام بی‌رنگ هستند و با قطر میانگین ۱۳ سانتیمتر و ارتفاع ۷ سانتیمتر ساخته شده‌اند. کاسه‌های شیشه‌ای ایران در دوران پس از اسلام از تنوع رنگی، نظیر آبی تیره و فیروزه‌ای، زرد، سبز، سبز-آبی، ارغوانی، نباتی، قرمز و قهوه‌ای برخوردار شده‌اند و میانگین قطر و ارتفاع آن‌ها به ترتیب ۱۲ و ۶ سانتیمتر است. رنگ یک نمونه از کاسه‌های شیشه‌ای قرن ۴ هـ. ق. فیروزه‌ای آپک است که در میان سایر کاسه‌های شیشه‌ای که اغلب شفاف هستند، بی‌نظیر و قابل توجه است. شایان ذکر است بر روی سطح برخی از آثار مورد مطالعه، به دلیل هوازدگی، هارمونی رنگ ایجاد شده که گاهی تشخیص رنگ زمینه را دشوار کرده است.

در جدول ۳ روش‌های ساخت و تزیین و همچنین ویژگی‌های بصری کاسه‌های شیشه‌ای ایران بر اساس توالی تاریخی در دوران پیش و پس از اسلام، به منظور درک بهتر سیر تحول این آثار مورد بررسی قرار گرفته است.

و تراش آثار شیشه‌ای دو پوست به صورت برجسته - آراسته شده است. این خط‌نوشته بدون معنی خاصی دورتادور کاسه شیشه‌ای نقش بسته و انتهای این خطوط نوشتاری به نقشی از گیاه پالمت ختم شده است. کاسه دیگری حاوی عبارت «عز دایم و اقبال دایم و اقبال» به شیوه تراش خطی تزیین شده است (تصویر ۸). تزیین کاسه‌های شیشه‌ای با خطوط نوشتاری مختص دوران اسلامی است.



تصویر ۸: نقوش نوشتاری بر روی کاسه شیشه‌ای (علی‌اکبرزاده کرد مهینی، ۱۳۷۲: ۱۱۷)



تصویر ۹: طرح خطی نقوش نوشتاری (نگارندگان، ۱۳۹۹)

تزیین با نقوش انسانی در بین آثار شیشه‌ای بسیار اندک است؛ اما کاسه متعلق به قرن ۴ هـ. ق. ایران با تزیینات شمایل‌ی - انتزاعی انسانی در ترکیب با دیگر نقوش جانوری، در نوع خود منحصر به فرد است. در این کاسه، پیکره‌ای سوار بر قاطر در مرکز و جانورانی نظیر مار، بز و شیر در اطراف بدنه مشاهده می‌شوند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰: کاسه شیشه‌ای مزین شده با نقوش انسانی و جانوری (Whitehouse, 2010: 277)

جدول ۳: بررسی روش‌های ساخت، شیوه‌های تزئین و ویژگی‌های بصری کاسه‌های شیشه‌ای ایران (نگارندگان، ۱۳۹۹)

رنگ	فاقد تزئینات	نقوش تزئینی						شیوه تزئین					روش ساخت		دوره تاریخی	
		انسانی	جانوری	گیاهی	نوشتاری	غیرهندسی	هندسی	نقوش قالبی	نوار شیشه افزوده	کامئو	تراش			دمیده(در قالب آزاد)		فشرده در قالب
											خطی	سطحی برجسته	سطحی دویل			
اکثراً بی‌رنگ	*			*			*					*	*	*	*	پیش از اسلام
بی‌رنگ و رنگی	*			*			*			*		*	*	*	*	قرون نخستین اسلام
اکثراً رنگی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*	قرون ۳-۷ ه. ق.

سطحی است؛ بدین معنا که شیشه‌گر در این نوع تراش، سطحی از بدنه شیشه را تراش می‌داد؛ اما در تراش خطی که از ویژگی‌های آثار شیشه‌ای دوران اسلامی است، نقوش به صورت خطی بر روی ظروف نمایان شده‌است.

۳. نقوش تزئینی: تزئینات کاسه‌های شیشه‌ای ایران در دو بخش انتزاعی محض و شمایی- انتزاعی؛ شامل نقوش هندسی، غیرهندسی، نوشتاری، گیاهی، جانوری و انسانی قابل پیگیری است. در دوران پیش از اسلام، کاسه‌های شیشه‌ای دوران هخامنشیان با نقوش گیاهی گل نیلوفر و کاسه‌های شیشه‌ای دوران ساسانیان با نقوش هندسی تزئین شده‌اند. نقوش مذکور بر روی کاسه‌های شیشه‌ای قرون نخستین اسلامی همچنان وجود داشته و در قرون بعد (۳-۷ ه. ق.) نقوش تزئینی متنوعی همچون نقوش نوشتاری، غیر هندسی، جانوری و انسانی بر روی کاسه‌های شیشه‌ای ایران نقش بسته‌است. همچنین کاسه‌هایی فاقد تزئینات در آثار شیشه‌ای

در یک جمع‌بندی کلی، سیر تحول کاسه‌های شیشه‌ای ایران از منظر ریخت‌شناسی بدین شرح است:

۱. شیوه ساخت: شیوه ساخت کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام، در دوران هخامنشیان فشرده در قالب و در عصر ساسانیان علاوه بر روش مذکور، دمیدن در قالب بوده‌است. در دوران اسلامی اغلب کاسه‌ها به شیوه دمیدن در قالب، ساخته شده و دمیدن آزاد نیز شیوه دیگری برای ساخت کاسه‌هایی با جداره نازک بوده‌است.

۲. شیوه تزئین: کاسه‌های دوران هخامنشی به شیوه فشرده در قالب و کاسه‌های شیشه‌ای دوران ساسانی به شیوه تراش تزئین شده‌اند. همچنین تراش روی شیشه، روش تزئین کاسه‌های شیشه‌ای قرون نخستین اسلام (قرون ۱-۲ ه. ق.) بوده‌است. در قرون بعد، هنرمندان شیشه‌گر از انواع روش‌های تزئین؛ همچون نقوش قالبی، نوار افزوده، تراش و کامئو بهره برده‌اند. پیش از دوران اسلامی، اکثر تراش‌های روی شیشه،

سطحی برجسته است و پرکاربردترین آن‌ها نقش لانه‌زنبوری است که از ویژگی‌های شاخص آثار شیشه‌ای دوران ساسانی می‌باشد. کاسه‌های شیشه‌ای قرون نخستین اسلام، ریخت و فرمی شبیه کاسه‌های دوران قبل دارد و تزیینات آن‌ها نیز از تزیینات کاسه‌های شیشه‌ای دوران پیش از اسلام تبعیت می‌کند. این تزیینات به وسیله تراش سطحی، سطحی دوبل و خطی، روی آثار مزبور ایجاد شده‌اند. تراش خطی بر روی کاسه‌های شیشه‌ای دوران اسلامی دیده شد. در قرون بعدی، کاسه‌های شیشه‌ای اغلب به روش دمیدن در قالب ساخته شده و تزیین یافته‌اند. دمیدن در قالب، یکی از روش‌های هم‌زمان ساخت و تزیین کاسه‌های شیشه‌ای، جایگزین تزیین تراش شده‌است؛ چراکه روش مذکور این قابلیت را به هنرمند شیشه‌گر داده‌است تا ضمن ساخت اثر، تزیینات و نقوش مورد نظر خود را روی آن اعمال کند. همین امر از یک سو سبب تنوع تزیینات کاسه‌های شیشه‌ای شده و از سویی دیگر تلاش و زمان کمی می‌طلبیده‌است. تزیینات کاسه‌های شیشه‌ای ایران طی دوران پیش و پس از اسلام در دو گروه انتزاعی محض و شمایی- انتزاعی مورد بررسی قرار گرفت. تزیینات کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام اکثراً تزیینات انتزاعی محض هندسی و شامل نقوش دایره و لانه‌زنبوری بوده و دو نمونه با نقوش گیاهی تزیین شده‌است. در طول قرن‌ها این تزیینات تداوم یافته و تزیینات شمایی- انتزاعی (دربردارنده نقوش جانوری، گیاهی و انسانی) و تزیینات انتزاعی محض (شامل نقوش نوشتاری و غیرهندسی) توسط هنرمند شیشه‌گر به کار برده شده‌است

پی‌نوشت‌ها

- 1- Morphology
- 2- Vladimir Propp
- 3- Aristophanes
- 4- Chardin

پیش و پس از اسلام مشاهده شد.

۴. فرم بدنه و ابعاد: فرم بدنه کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام اغلب نیم‌کروی بوده، در حالی که بدنه کاسه‌های شیشه‌ای در دروان اسلامی از تنوع فرمی برخوردار است. برخی از کاسه‌های شیشه‌ای مورد مطالعه دارای پایه هستند؛ با این تفاوت که پایه کاسه‌های شیشه‌ای دوران پیش از اسلام مسطح است و کاسه‌های شیشه‌ای دوران اسلامی علاوه بر این نوع پایه، دارای پایه دیگری هستند که با خمیر شیشه به کف کاسه افزوده شده‌است. ابعاد کاسه‌های شیشه‌ای تغییر چندانی نیافته‌است. میانگین قطر و ارتفاع کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام به ترتیب ۱۳ و ۷ سانتیمتر و میانگین قطر و ارتفاع کاسه‌های شیشه‌ای پس از اسلام به ترتیب ۱۲ و ۶ سانتیمتر است.

۵. رنگ: بیشتر کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام بی‌رنگ و یک نمونه از آن‌ها رنگی است؛ درحالی که اغلب کاسه‌های شیشه‌ای دوران اسلام از تنوع رنگی برخوردار هستند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد کاسه‌های شیشه‌ای ایران از دوران پیش از اسلام (قرن ۴ ق. م.) و پس از اسلام (تا قرن‌های ۶-۷ ه. ق.) از منظر ریخت‌شناسی مورد بررسی قرار گیرند تا بدین ترتیب بتوان به سیر تحولی از هنر شیشه‌گری ایران با اتکا به مطالعه کاسه‌های شیشه‌ای، دست یافت. برای پرداختن به این مسئله، علاوه بر بررسی روش‌های ساخت و تزیین کاسه‌های شیشه‌ای که با فرم و نقوش اثر پیوستگی دارد، آثار مزبور از منظر ریخت‌شناسی نیز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که روش ساخت کاسه‌های شیشه‌ای دوران اسلامی ایران در حقیقت ادامه شیوه ساخت شیشه‌های پیش از اسلام و آمیخته با ابتکار و نوآوری شیشه‌گران دوره اسلامی است. کاسه‌های شیشه‌ای پیش از اسلام در زمان هخامنشی به روش فشردن در قالب و در عصر ساسانی علاوه بر آن، با شیوه دمیدن در قالب نیز ساخته شده‌اند. کاسه‌های شیشه‌ای این دوران، دارای فرم‌های مشابه و اغلب بی‌رنگ است و با تراش تزیین یافته‌اند. شیوه‌های تراش این کاسه‌ها تراش سطحی، سطحی دوبل و

منابع

- ۱۶۹-۱۹۰.
- صالح‌وند، نوید. (۱۳۹۵). *تاریخچه شیشه و شیشه‌گری؛ ظروف شیشه‌ای دوره اشکانی: مجموعه‌های موزه ملی ایران و موزه رضا عباسی*. تهران: سمیرا.
- عطارزاده، عبدالکریم؛ هوشیار؛ مهران. (۱۳۹۶). *مجموعه هنر در تمدن اسلامی*. تهران: سمت.
- علام، نعمت‌اسماعیل. (۱۳۸۶). *هنرهای خاورمیانه در دوران اسلامی*. مترجم: عباسعلی تفضلی، ج ۲، مشهد: به‌نشر.
- علی‌اکبرزاده کرد مهینی، هلن. (۱۳۷۲). *شیشه مجموعه مرز بازرگان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*. مترجم: پرویز مرزبان، تهران: فرزانه.
- فوکایی، شینجی. (۱۳۷۱). *شیشه ایرانی*. مترجم: آرمان شیشه‌گر، تهران: میراث فرهنگی.
- گلاک، جی؛ پنتون، کارل. (۱۳۸۵). *سیری در صنایع دستی ایران*. تهران: بانک ملی.
- گلد اشتاین، سیدنی. ام. (۱۳۸۷). *کارهای شیشه؛ مجموعه هنرهای اسلامی*. گردآوری ناصر خلیلی، ج ۱۰، تهران: کارنگ.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۸۲). *نقد تکوینی*. مترجم: محمدتقی غیاثی، تهران: نگاه.
- معطوفی، اسدالله. (۱۳۹۳). *سفال و شیشه شهر تاریخی گرگان (جرجان)*. تهران: فروهر.
- موسوی حاجی، رسول؛ نیک‌بر، مازیار. (۱۳۹۳). *هنرهای کاربردی دوره اسلامی*. تهران: سمت.
- نصری اشرفی، جهانگیر. (۱۳۸۸). *تاریخ هنر ایران*. تهران: آرون.
- یساولی، فرهاد. (۱۳۹۳). *آثار درخشان هنر ایران و جهان اسلام*. ج ۲، تهران: برگ نو.
- آسا برگر، آرتور. (۱۳۷۹). *نقد فرهنگی*. مترجم: حمیرا مشیرزاده، تهران: باز.
- استاجی، ابراهیم؛ رمشکی، سعید. (۱۳۹۲). «تحلیل ریخت‌شناسی داستان سیاوش بر اساس نظریه ولادیمیر پراپ». *متن‌شناسی/ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، سال ۴۹، شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، ۳۷-۵۲.
- بازورث، کلیفورد ادموند. (۱۳۸۰). *سلسله‌های تاریخ ایران؛ سلجوقیان*. مترجم: یعقوب آژند، تهران: مولی.
- بامبرو، فیلیپ. (۱۳۹۴). *گنجینه هنر اسلام*. مترجم: مسعود گلزاری و مهرداد وزیری، تهران: کتابدار.
- بهمنی، پردیس. (۱۳۹۴). *هنر و تمدن اسلامی؛ طراحی ایشیا در هنر اسلامی ایران*. تهران: فخرآکیا.
- پارسا، سید احمد؛ صلواتی، لاله. (۱۳۸۹). «ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه نصرالله منشی». *بوستان ادب*، سال ۲، دوره ۶، شماره ۴، ۴۷-۷۷.
- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۸۶). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. مترجم: فریدون بدره‌ای، ج ۲، تهران: توس.
- پوپ، آرتور آپم. (۱۳۹۰). *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*. ج ۱۵؛ پیوست‌ها و تعلیقات. تهران: علمی و فرهنگی.
- تجویدی، زهرا. (۱۳۸۶). *آشنایی با هنرهای سنتی ایران*. تهران: پیام نور.
- جعفری‌زاده، مسلم؛ شیشه‌گر، آرمان. (۱۳۹۸). «بررسی آثار شیشه‌ای اشکانی کاخ شاتور»، *مطالعات باستان‌شناسی*، سال ۱۱، شماره ۱، ۳۵-۵۴.
- خدیش، پگاه. (۱۳۹۱). *ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایرانی*. ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
- روحانی، مسعود؛ اسفندیار، سبیکه. (۱۳۸۹). «ریخت‌شناسی قصه قلعه ذات‌الصور در مثنوی، طبق نظریه ولادیمیر پراپ». *زیان و ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، سال ۵۳، شماره ۲۲۰، ۶۷-۸۳.
- زهره‌وند، سعید؛ مسعودی، مرضیه؛ رحیمی، منصور. (۱۳۹۳). «ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی، براساس نظریه پراپ». *پژوهشنامه ادب غنایی*، سال ۱۲، شماره ۲۳،
- Carboni, Stefano & David Whitehouse. (2001). *Glass of the Sultans*. New York: The Metropolitan.
- Carboni, Stefano. (2001). *Glass from Islamic Lands*. UK: Thames & Hudson.
- Corning Museum of Glass.

- Kroger, Jens. (1995). *Nishapur Glass of the Early Islamic Period*. New York: The Metropolitan Museum of Art.
- Page, Jutta-Annette. (2006). *The Art of Glass*. London: Toledo Museum of Art.
- Ricke, Helmut. (2002). *Glass Art Reflecting the Centuries*. New York: Dusseldorf.
- Tait, Hugh, 1991, *Five Thousand Years of Glass*, New York: The Trustees of the British- Museum.
- Whitehouse, David. (2005). *Sasanian and Post-Sasanian Glass in the Corning Museum of Glass*. New York: The Corning Museum of Glass.
- Whitehouse, David. (2010). *Islamic Glass in the Corning Museum of Glass*. New York: The Corning Museum of Glass.

Morphological Evolution of the Iranian Glass Bowls between 10th to 13th Centuries

Masoumeh Zamani Saadabadi¹, Somayyeh Asadi², Farnoush Shamili³

1- Graduated, Master of Art Research, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran
(Corresponding author)

2- Graduated, Bachelor of Islamic Art, Faculty of Islamic Crafts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

3- Assistant Professor, Faculty of Visual Arts, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

DOI: 10.22077/NIA.2021.3996.1405

Abstract

Glassmaking as one of the most prominent arts in Iran has flourished throughout history despite the different vicissitudes occurred in Iran. In the result of several millennia of Iranian art history, valuable glassworks have been left among which this study focused on the glass bowls. The study of glass bowls focusing on its constituent elements, forms and decorations under the title of morphology can lead to understanding the background and historical evolution of Iranian glassmaking. The aim of this study is to present the evolution of the art of glassmaking over time by examining glass bowls. Samples of pre-Islamic glass bowls have been collected and studied in order to find an answer to the fundamental question of what changes have been made morphologically in Iranian glass bowls throughout history? The research method is descriptive-analytical and the data was collected from library sources. The results show that the method of making glass bowls of the Islamic period of Iran is in fact a continuation of the method of pre-Islamic period, while mixed with the initiative and innovation of Muslim glassmakers. Pre-Islamic glass bowls during the Achaemenid period were made by pressing the mold and in the Sassanid era by blowing into the mold additionally. Glass bowls of this period had similar shapes to hemispherical molds and were often colorless and decorated with cuts. The cutting methods of these bowls were surface, double surface and embossed surface, and the most widely used is honeycomb design. The glass bowls of the first century of Islam had the similar shapes to the bowls of the previous era, thus decorations were taken from the decorations of the samples of the pre-Islamic era. These decorations were created by surface, double surface and linear cutting on the given works which the latter one was marked in the glass bowls of Islamic period. In the following centuries, glass bowls were often made and decorated by blowing into the molds. The decorations of the Pre-Islamic glass bowls were mostly pure geometric abstracts including circular and honeycomb motifs, two specimens of which were decorated with plant motifs. Over the centuries, these ornaments were continued and iconic-abstract ornaments containing animal, plant and human motifs and purely abstract ornaments including written and non-geometric motifs have been used by the glassmakers.

Key words: Glassmaking evolution, Iran's glassmaking art, Pre-Islamic, Post-Islamic, glass bowls, morphology.

1 - Email: mz375mz@gmail.com

2 - Email: somayye.asadi75@gmail.com

3 - Email: f.shamili@tabriziau.ac.ir